

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"

شیر و شکر "روسی - دری"

در اواخر جنوری 1958م (دلو 1337 ش) بغرض اجرای امور اموال وارداتی و صادراتی تجار افغانی، بحیث مسوول نمایندگی شرکت ترانزیت افغان که بعداً با الغای آن شرکت، به اداره بندروالی مسمی شد، در شهر بندری ترمز اتحاد شوروی موظف گردیدم. این مأموریت برای شش ماه و طوری بود که باید دو هفته در ترمز و یک هفته غرض رسیدگی امور در بندر تاشگنر در کنار دریای خروشان آمو در افغانستان محبوب سپری میکردم. سفر به هر دو بندر توسط کشتیهای کوچک با گذشتن از دریای آمو صورت میگرفت. این دوره مأموریت و سیر و سفرهایم خاطرات فراوانی از شیرینی و تلخی دارد که امیدوارم با مساعدت وقت و حوصله بتوانم گوشه ای از آنها را در قید تحریر در آورم. از جمله خاطرات یکی اینکه در جریان کار و تماس با کارمندان دفتر ترانسپورته شوروی در ترمز در ضمن اجرای کار میکوشیدم به لسان روسی هم آشنائی پیدا کنم که خوشبختانه با محاوره و مذاکره با کارمندان - اگر گزافه و لاف تلقی نشود - توانستم در کوتاه مدت مشکلات اولیه را بدون ترجمان، خود حل کنم. چنانچه بعد از دو ماه شعر شیر و شکر روسی - دری را سرودم، که ممکن از نگاه شعری کیفیت خوب نداشته باشد اما نمایانگر استعداد ناچیز اسیر تان در آموختن لسان بوده میتواند، که ذیلاً پیشکش میشود:

«پدژدیتی، پدژدیتی» گُل من 1
که قربانت کنم جان و دل من
به «پیروی و ستریچی» چشم مستت 2
ز من دل برد، مشکین کاکل من
اگر «وی نی ختیتی» عشقبازی 3
بود «اوچین ترودنا» بر دل من 4
«مایا سیرسه، مایا لوبوو، مایا جان» 5

غمت جا کرده در خاک و گل من
 اگر « وچرم » بمن « ایدوش بگولایت » 6
 شود آسان هزاران مشکل من
 « سیودنیا یا پوایدو » سوی خانه 7
 که نبود دور از تو منزل من
 « مایا سیرسه بلیت » از درد هجرت 8
 « تی نی ایزنایش » شوخ قاتل من 9
 بود این کارها « سبسیم پلوخه » 10
 خودت جنگی، نگاهت مایل من
 « نه آتویچایش » آخر نامه ام را 11
 « پوچیمو » ای نگار جاهل من 12
 « به گاستی نیسه » زار و بیقرارم 13
 « و نیمایتی » به احوال دل من 14
 « سوامی پوزناکومت، رزیشیتی » 15
 « مایا فامیلیا » ای خوشگل من 16
 « اسیر » قامت سرو تو باشم
 « کراسیوا » نگار خوشگل من 17

ترجمه کلمات روسی :

1: منتظر باش یا صبر کن - 2: در دیدار اول؛ 3: اگر تو نمیخواهی؛ 4: بسیار ناگوار و مشکل
 است؛ 5: قلب من، محبوب من و جان من؛ 6: اگر شب با من قدم زدن بروی؛ 7: امروز من
 میروم؛ 8: قلب من درد میکند؛ 9: تو نمیدانی؛ 10: کاملاً بد؛ 11: جوابم را نمیدهی؛ 12: برای
 چه؛ 13: در هتل؛ 14: توجه کن؛ 15: اجازه بده با تو معرفی شوم؛ 16: فامیلی من 17: زیبا و
 مقبول

(م. نسیم «اسیر» - ترمز - شوروی، حمل 1338 ش)

نوت : می خواستم کلمات روسی را غرض تلفظ دقیق و خواندن صحیح شعر، به البای روسی
 هم بنویسم که متأسفانه کمپیوتر من عاری از آن میباشد.

(21 اپریل 2012)